

ضرورت درنگ ناپذیر سازماندهی جنبش کارگری - سندیکایی

اهواز در استان خوزستان، اعتراض پی در پی کارگران کارخانجات نساجی استان زنجان در مخالفت با قراردادهای موقت و طرح اصلاح قانون کار، تجمع و امضاء نامه سرگشاده کارگران شرکت جامکو تهران و اعتصاب کارگران ماشین سازی تبریز در استان

ادامه در صفحه ۴

در این شماره

نامه اعتراضی ۱۱۹ نفر از شخصیت های

سیاسی - فرهنگی به قوه قضائیه در ص ۲

دادگاه تقشیش عقاید قرون وسطایی

برای هاشم آغاچری در ص ۲

استبداد شرقی و استبداد غربی در ص ۳

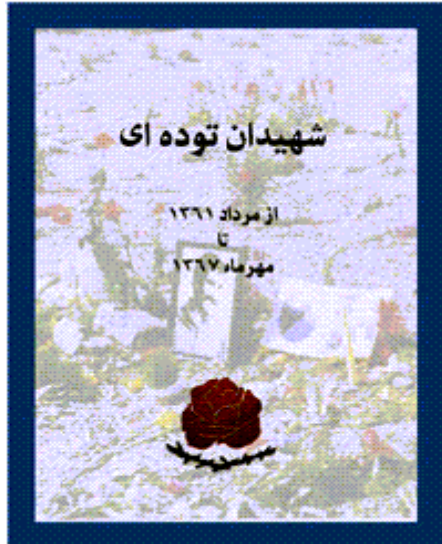
همزمان با اعلام طرح های سی گانه اصلاحات اقتصادی، و تاکید رئیس جمهوری، محمد خاتمی، بر اجرای سریع آنها، که از جمله مهمترین این طرح ها، تقویت بخش خصوصی است؛ بحث در باره اصلاح قانون کار وارد مرحله بی حساس شد. مخالفت و مقاومت طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان با اصلاح و تغییر قانون کار به سود سرمایه داران و تامین امنیت سرمایه، از ژرفای قابل توجهی برخوردار است. طی ماههای گذشته، اعتصاب های متعددی در مراکز مختلف کارگری در سراسر کشور به وقوع پیوسته که مخالفت با طرح اصلاح و تغییر قانون کار از خواست های اصلی به شمار می آمده است.

از جمله این اعتصاب ها، می توان به اعتراض گسترده کارگران کارخانجات نساجی قائم شهر در استان مازندران، اعتصاب متشکل و متحد کارگران کارخانه قرقره زیبا در تهران، تجمع اعتراضی کارگران شرکت نورد و لوله سازی



شماره ۶۴۲، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۱

به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس
حزب توده ایران منتشر شد



کتاب شهیدان توده ای از مرداد ۱۳۶۱ تا مهرماه ۱۳۶۷، در ۵۲۰ صفحه، منتشر شد. در مقدمه کتاب از جمله آمده است: "جلد دوم شهیدان توده ای، مجموعه یی است از گزارش های تکان دهنده یی از جنایات رژیم در زندان های قرون وسطایی و یادنامه های صدها انسان فرهیخته و گرانمایه یی که نام و زندگی آنان در تاریخ مبارزات مردم میهن ما جاودانه خواهد بود. جلد دوم کتاب شهیدان سرگذشت کاروانی است که از تأسیس حزب توده ایران حرکت تاریخی خود را آغاز کرده است و تا به امروز ره پوییده است و در حرکتش تاریخی نوین را در میهن ما خلق کرده است. . . ."

آزموده را آزمودن خطاست!

تأملی پیرامون مواضع خاتمی در آخرین مصاحبه مطبوعاتی اش

که رئیس جمهور، مسؤول اجرای قانون اساسی است؛ مگر اینکه بخوانند با تفسیرهای خاصی این اصل را خدشه دار کنند که معتقدم تفسیر در جایی است که ابهام وجود داشته باشد، نه در جایی که صراحت و نص هست. اگر در قانون اساسی گفته که نظام ما جمهوری اسلامی با حضور ولی فقیه است، این دیگر تفسیر بردار نیست که بگوییم یا جمهوری نباشد و یا اسلامی نباشد و یا - خدای نکرده - ولی فقیه نباشد؛ این نص صریح قانون است. اگر در جایی هم گفته که رئیس جمهور مسؤول اجرای قانون اساسی است، نص صریح قانون است. البته بنده معتقدم که یک رئیس جمهور باید حداقل امکانات را برای انجام وظایفش داشته باشد و الا نمی تواند وظایف خودش را انجام بدهد و نمی تواند به عهدی که با مردم، و بالاتر از آن، با خدای خودش کرده، وفادار بماند و رئیس جمهوری که نتواند به عهدش وفادار بماند، دیگر به درد کار نمی خورد. البته در قانون اساسی و جامعه و نظام ما هم راهکارها و ظرفیت هایی وجود دارد که آن راهکارها هم

ادامه در صفحه ۶

سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، در هفته گذشته، مواضع خود را درباره مهم ترین مسایل ایران و جهان اعلام کرد. از هفته ها پیش به این انتظار دامن زده شده بود که خاتمی در این مصاحبه با "شفافیت" و "قاطعیت" با مسایل و مشکلات برخورد خواهد کرد و راه کارهای مناسب را برای خروج از این بست کنونی مطرح خواهد ساخت.

خاتمی در این مصاحبه ضمن اشاره به واقعه ۱۱ سپتامبر و تأثیر آن بر روابط جهانی درباره معضلات عظیمی که میهن ما و خصوصاً روند اصلاحات با آن روبه روست، سخن گفت. خاتمی در پاسخ به خبرنگار روزنامه ایران پیرامون انتخابات آینده مجلس و اختیارات ریاست جمهوری از جمله گفت: "ببینید، بنده کاری که می کنم، دقیقاً نه خلاف شرع و نه خلاف قانون اساسی است. بنابراین، اصلاً انتظار ندارم که شورای محترم نگهبان، که محور کارش مغایرت تشخیص ها با قانون اساسی و شرع است، با چیزی که نه با قانون اساسی مخالفت دارد و نه مخالف شرع است، مخالفت کند و نص صریح قانون هم هست

در ص ۵
در ص ۸

مصاحبه باور نکردنی مجله آمریکایی "نیوزویک"
دو سالگرد در ۱۱ سپتامبر

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

اعتراض به اقدامات قوه قضاییه

بر اساس گزارش خبرگزاری ایسنا روز یکشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۸۱ نامه‌ی با امضای ۱۱۹ نفر با گرایش‌های فرهنگی، سیاسی، ادبی به دفتر این خبرگزاری ارسال شده، به برخی رفتارها و احکام صادره محاکم قضایی اعتراض شده است. در بخشی از این نامه آمده است: "اما متأسفانه گرایش در اقلیتی که بخش بیشتری از قدرت را در اختیار دارد، به طرق مختلف مانع تحقق اراده اکثریت و مطالبات عمومی که به شکل مسالمت آمیز مدنی مطرح شده اند، گردیده است. . . در روزهای اخیر، روند یاد شده علیرغم آنکه ایران و منطقه خاورمیانه در شرایط خطیری به سر می برد، تشدید شده است. در حالی که عقلانیت سیاسی اقتضا می کند که وحدت و اقتدار ملی با تحقق مطالبات عمومی و تن دادن اقلیت پر قدرت به اراده اکثریت، در جهت حفظ منافع ملی بازسازی و تقویت گردد. در بخش دیگر نامه با طرح مدعیاتی آمده است: حسن یوسفی اشکوری پس از اجرا و خاتمه محکومیت قطعی خود در حالی که هیچ حکم قضایی دیگری ندارد، پس از چند روز آزادی به عنوان مرخصی، مجدداً بدون هیچ توضیح حقوقی یا انجام محاکمه‌ی بی‌زندان اوین بازگردانده شده است. . . ما همچنین شاهدیم در حالی که محاکمه مربوط به پرونده قتل‌های زنجیره‌ی همجنان با اتهامات جدی در افکار عمومی مواجه است، آقای ناصر زرافشان وکیل مدافع خانواده‌های قربانیان آن جنایات رهسپار زندان می‌گردد و نیز در حالی که برخی افراد و تریبون‌های مروج توطئه‌بینی، نفرت و خشونت، آزادتر از همیشه، به همگان و از جمله نمایندگان ملت می‌تازند و توهین می‌کنند، آقای هاشم آغاچری به دنبال اظهار عقیده و آگویی و تکرار سخنان دکتر شریعتی بدون مستندات متقن قضایی و به دنبال حمایت نمایندگان از وی بازداشت می‌شود؛ و باز مطبوعاتی همچون "آئینه جنوب" قبل از هیچ محاکمه‌ی و روز نو، با زیر پا گذاشتن همه ظواهر قانونی، حتی قبل از انتشار توقیف می‌گردد؛ و برخی وکلای پرونده‌های سیاسی (همچون آقایان سلطانی، دادخواه، سیف) با محکومیت‌ها و محرومیت‌های شدید مواجه می‌شوند که با حمایت قابل تقدیر بخشی از وکلای همکارشان مواجه شد. همچنین علیرغم وعده‌های گوناگون هنوز برخی فعالان دانشجویی و حتی زندانیان فاجعه ۱۸ تیر در زندان به سر می‌برند، در حالیکه یورش برندگان به خانه دانشجویان با محکومیتی مواجه نمی‌گردند و لباس شخصی‌های فعال در این فاجعه محاکمه‌صوری هم نمی‌شوند. "در ادامه این نمابر با اشاره به مصاحبه برخی بازداشت‌شدگان، به عنوان گفت‌وگوهایی نخ‌نما و بی‌اعتبار که جز "تاثیر وارونه" در افکار عمومی ثمری ندارند. نویسندگان نامه در پایان آورده اند: "ما امضاکنندگان این نامه سرگشاده ضمن اعتراض به اعمال و رویه‌هایی که به بخشی از آنها اشاره شد، و دفاع از حقوق شهروندی، انسانی و قانونی تمام افراد، نشریات و جریان‌هایی که با تضییع حقوق فردی و جمعی مواجه شده‌اند، یادآور می‌شویم تداوم مقابله جویی با مطالبات و اراده اکثریت ملت، جدا از غیرانسانی و غیرقانونی بودن این اعمال، عاری از هرگونه عقلانیت سیاسی و رعایت منافع ملی است و تنها راه نجات برای افکار، افراد و جریانات در اقلیت، پذیرش اراده اکثریت و تعامل منطقی و مسالمت آمیز با آنان است. انتخاب هر راه و رویه‌ی غیر از این، جز به هدر دادن فرصت‌ها، امکانات و توان ملی ثمره دیگری در پی نخواهد داشت. در پایان این نامه اسامی زیر به چشم می‌خورد: ادیب برومند، لقا اردلان، حمید احراری، فرشید افشار، اعظم اکبرزاده، عباس امیرانتظام، هرمیداس باوند، پروین بختیارزاد، محمد بسته‌نگار، محمد بهزادی، مرتضی بدیعی، مسعود پدram، حبیب‌الله پیمان، محمود پیش

بین، عباس پورآزهری، مجید پیمان، مجید تولایی، خالد توکلی، مصطفی تنها، عباس حالری، اسماعیل حاج قاسمعلی، مسعود حجازی، حسن خرماهی، غلامحسین خیر، محمدخلیل نیا، ابراهیم خوش سیرت، علی اشرف درویشیان، سعید درودی، پرویز دبیری، حبیب‌داوران، فریبرز رییس دانا، علی رشیدی، غلامرضا رحیم، عبدالله رادینا، حسین راضی، رضا رییس طوسی، حسین رفیعی، علی رضارجایی، رحیم رحیم زاده اسکویی، تقی رحمانی، محمد جواد رجاییان، بهمن رضاخانی، امیررضایی، ابراهیم رضایی، مهندس رهنما، مهندس کوروش زعیم، فرزانه روستایی، احمد زیدآبادی، حسن زرافشان، عزت‌الله سبحانی، فریدون سبحانی، هاله سبحانی، خسرو سعیدی، علیرضا ساریخانی، نسرین ستوده، حسین شاه حسینی، جواد شرف‌الدین، حسن شهیدی، عباسعلی صحافیان، هدی صابر، کیوان صمیمی، فیروزه صابر، یوسف طاهری، اکبر طاهری، محمد طاهری، اعظم طالقانی، طاهره طالقانی، امیرطیرانی، حسن عرب زاده، رضا علیجانی، شهین علوی، محمدرضا عالم زاده، محمود عمرانی، مهدی غنی، فاطمه فرهنگ‌خواه، سعید فاطمی، ناصر فرید، باقر قدیری اصلی، رحمان کارگشا، مرتضی کاظمیان، فاطمه کمالی احمدسرای، فاطمه گوارایی، رضا گل‌احمر، مسعود لدنی، حسن لباسچی، محمد ملکی، محمد محمدی گرگانی، مرضیه مرتضی‌لنگرودی، سید جواد مادرشاهی، منوچهر ملک قاسمی، هرمز میزی، نظام‌الدین موحد، علی اکبر معین‌فر، سیدحسین موسویان، علی اصغر معین‌فر، مهدی موبدزاده، صمد ملکی، ماشاءالله مدیحی، ابوالفضل میرشمس شهنشاهی، حسن میرمحمد صادقی، سعید مدنی، محمدجواد مظفر، قدسی میرمعز، وحید میرزاده، اکبر معصوم بیگی، نسترن موسوی، احمد معصومی، حسین مدنی، نرگس محمدی، علی اکبر نوشین، اسماعیل ناطقی، سید محمد نوحی، سید مهدی ناطقی، سید مجید نوحی، حشمت‌الله نیک‌خواه، پرویز ورجاوند، ناصر هاشمی، احسان هوشمند.

دادگاه تفتیش عقاید قرون وسطایی برای آغاچری

بر اساس آخرین گزارش‌های رسیده دادگاه هاشم آغاچری پشت درهای بسته ادامه دارد. ایرنا گزارش داد که آغاچری در چهارمین جلسه دادگاه خود در همدان حضور پیدا کرده است و به پرسش‌های قاضی رضایی پاسخ داده است. لازم به تذکر است که آغاچری در دومین جلسه دادگاه خود با سپردن دو میلیارد ریال وثیقه آزاد شد ولی قاضی رضایی در سومین مرحله بازجویی او را روانه زندان کرد. از آنجایی که کلیه جلسه‌های بازجویی از آغاچری که به همراه وکیلش در دادگاه حضور دارد تاکنون غیرعلنی برگزار شده است از جزئیات جلسه دادگاه اطلاع دقیقی در دست نیست. آغاچری به اتهام توهین به مقدسات، و در واقع طرح حقایق درباره عملکرد مخرب روحانیت حاکم به دادگاه احضار شده است. روابط عمومی دادگستری همدان در پنجمین اطلاعیه خود در خصوص پرونده "هاشم آغاچری" از جمله اعلام کرده است که: نخستین دادگاه رسمی رسیدگی به اتهامات آغاچری در روز شنبه نهم شهریور ماه . . . تشکیل شد. با توجه به اینکه موضوع و نوع اتهامات انتشار مطالب مطرح شده در دادگاه موجب اشاعه منکر و جریحه دار شدن احساسات دینی و مذهبی ملت متدین را فراهم می‌آورد لذا بنا به تشخیص قاضی و بندهای . . . جلسه دادگاه به صورت غیرعلنی برگزار می‌شود. "دادگستری همدان، در همین اطلاعیه هشدار داده است: "به رغم هشدارهای مکرر برخی از

استبداد شرقی و استبداد غربی

علی مزروعی در مقاله‌ی با عنوان بیماری تاریخی استبداد ضمن اشاره به تاریخ استبداد در میهن ما به مسایلی اشاره کرده است که قابل تأمل است.

مزروعی در این مقاله از جمله می نویسد: "ایران از تمدنی بس غنی و کهن برخوردار است، اما هسته مرکزی این تمدن را استبداد شکل داده است. تاریخ دوهزار و پانصد سال شاهنشاهی خود بهترین گواه این مدعاست. علیرغم همه تغییر و تحولات درونی که در تاریخ ایران به وقوع پیوسته و یا ته‌اجماتی که از خارج متوجه این سرزمین بوده، نظام استبدادی همچون بختکی شوم در قالب نظام سلطنتی همواره بر سر مردم ایران زمین سایه گستر بوده و آنها را از داشتن هرگونه حقوق انسانی و قانونی محروم داشته است. جان و مال و ناموس ایرانیان در دست حاکمان ظالم و جبار به نام شاه و شاهزاده و... قرار داشته و هر وقت آنان اراده می‌کردند کار رعیت تمام بود. در نظریه‌های تاریخی مارکسیستی از "استبداد شرقی" سخن رفته و وجه تمایز غرب و شرق را در شکل‌گیری تاریخی‌اش به این امر ارتباط می‌دهند که تا حد زیادی با واقعیت انطباق دارد، اما به قول یک نظریه پرداز ایرانی آنچه در ایران جریان داشته فراتر از "استبداد شرقی" بوده و می‌توان آن را "استبداد مطلقه" نام نهاد. استبدادی که هیچ حد و مرزی را به رسمیت نمی‌شناخته و در قالب هیچ قانونی حتی یاسای چنگیز نمی‌گنجیده است. تنها "اراده شاه" مجرای اداره حکومت بوده و همه جز اطاعت فرمان سلطان چاره‌ای نداشته‌اند و البته در دوره پس از اسلام، شاه سایه خدا می‌شود و این شعار که چه فرمان یزدان چه فرمان شاه، حاکمیت دیرپا و سخت جان استبداد مطلقه آنچنان با عقاید دینی، فرهنگ ملی، خلیقات روحی، شیوه معیشتی، تعاملات درونی و... ایرانیان در هم آمیخته و به درون آنها ریشه دوانده و هسته مرکزی رفتار ما ایرانیان را ساخته است که بالایش و ریشه کنی و تغییر این هسته مرکزی را باید بزرگترین اقدام تاریخی ایرانیان در گذر از بیماری تاریخی استبداد به سوی "مردمسالاری" و "حاکمیت قانون" برشمرد.

انقلاب مشروطه به رهبری علمای دینی و نهضت ملی به رهبری دکتر مصدق دو تجربه و گام بزرگ برای رهایی ایرانیان از بیماری تاریخی استبداد و بلای نوین استعمار بود، اما هر دو تجربه در نیمه راه مغلوب همدستی استبداد و استعمار شد. مزروعی در انتها ضمن اشاره به حماسه دوم خرداد ۱۳۷۶، در نتیجه‌گیری می‌نویسد: "آنچه شرایط امروز ما را از گذشته تاریخی‌اش متمایز می‌کند اینکه اکثریت مردم ما در پیشبرد جنبش اصلاحات مصمم و همراهند، اما در عین حال اقلیتی تلاش می‌کنند که ریشه‌های در حال زوال استبداد را در قالبی نو بازسازی نمایند، قالبی که در نهایت می‌تواند به "استبداد دینی" بینجامد که از "استبداد مطلقه" گذشته بسی خطرناک‌تر است هرچند آن را در قالب‌هایی همچون "استبداد استدلالی"، "حاکمیت اقلیت صالح"، "جمهوری ناب"، "دیکتاتور مصلح" و... نامگذاری نمایند. اصلاح طلبان امروز بیش از همیشه باید هوشیار باشند چرا که در حال پیشبرد بزرگترین اقدام تاریخ ایرانند..."

ما ضمن موافقت با ارزیابی مزروعی، درباره نظریه استبداد شرقی و ثمرات آن که از جمله دست‌آوردهای نظری مارکسیسم و حزب توده ایران است (نگاه کنید به کتاب در تاریکی هزاره‌ها اثر رفیق اسکندری و بررسی برخی جنبش‌های اجتماعی ایران اثر رفیق طبری) تنها این تذکر را لازم می‌دانیم که استبداد مطلقه که میهن ما سالیان طولانی از آن زجر برده است چیزی نیست جز همان استبداد رژیم ولایت فقیه و حاکمیت یک نفر، یعنی ولی فقیه بر همه امور کشور.

مقایسه این شیوه حکومت با حاکمیت "اراده شاه" بر همه امور کار زیاد دشواری نیست. به گفته یک روشن بین دگراندیش این نیز چیزی نیست جز باز تولید "نظام سلطنتی".

ادامه دادگاه قرون وسطایی تفتیش عقاید...

اشخاص جریانهای سیاسی و برخی از رسانه‌ها همچنان سعی دارند با تبلیغات سوء و شبهه افکنی دادگاه را سیاسی جلوه داده تا مطابق میل خود بهره برداری جناحی کنند. دستگاه قضایی استان همدان مصمم است بدون تأثیرپذیری از جوسازی‌ها و غوغا سالاریها در اجرای قانون هیچ‌گونه مسامحه‌ای را روا ندانسته نسبت به انبوه شکایتهای خصوصی از متهم مطابق قانون رسیدگی خواهد کرد. در اطلاعیه تصریح شده است: "به برخی از جریانهای مذکور متذکر می‌شویم دست از این قبیل رفتارها بردارند و بدانند با حرکتهایی همانند ارسال نامه‌های سرگشاده به مسوولان نظام و مراجع تقلید و دروغ پراکنی‌ها و عملیات روانی و تبلیغی نخواهند توانست مانع اجرای قانون و رسیدگی قضایی به این پرونده شوند."

در این باره، خبرنگار سایت اینترنتی "رویداد" گفت وگویی با عباس عبدی عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت انجام داده است که در آن از جمله عبدی، در عکس العمل به برگزاری غیر علنی این دادگاه می‌گوید: حقیقت این است که روز چهارشنبه در گفت وگویی با برخی دوستان گفتم که احتمال غیر علنی شدن دادگاه بسیار ضعیف است زیرا هر عقل زیر متوسط حتی با ضرب هوشی ۹۰ هم متوجه می‌شود که غیر علنی کردن دادگاه، به منزله شکست آن است... عبدی با اشاره به اینکه همه چیز درباره آغاجری علنی بوده و اتهامات هم در سطح صداوسیما حاکمیت، نمازهای جمعه و مطبوعات وابسته به وفور مطرح شده است، افزود: دیگر مسأله‌ی جز مدافعات متهم باقی نمانده است و غیر علنی شدن دادگاه به منزله ضعف تمامی این اتهامات و تبلیغات خواهد بود. هیچ تصور نمی‌کردم که آنان تا این حد خلاف منطق عمل کنند و دست‌های خود را به نشانه شکست بالا ببرند. این کار دادگاه به مراتب عجیب‌تر از غیر علنی کردن دادگاه ملی مذهبی‌ها بود. در آن مورد ممکن بود توجیحات عجیب و غریبی ارائه کنند ولی برای این کار هیچ توجیھی نمی‌توان ارائه کرد... "واقعیت این است که دادگاه آغاجری، همچون دیگر دادگاه‌های مشابه که دستگاه بیداد رژیم بر ضد کسانی همچون کدیور، اشکوری، و عبدالله نوری و همچنین صدها دگراندیش آزادی خواه برگزار کرده است چیزی جز یک دادگاه تفتیش عقاید قرون وسطایی نیست که در آن افراد به جرم ابراز عقیده به محاکمه کشیده می‌شوند تا دیگران حساب کار خود را بکنند.

آنچه روشن است این است که در دادگاه افکار عمومی مردم میهن ما هاشم آغاجری به دلیل بیان گوشه‌هایی از حقایق اعتبار معنوی پیدا کرده است و تاریخ اندیشانی همچون قاضی مصطفوی و دیگر هفکران او بیش از پیش منفور مردم‌اند و احکام محکومیت این چنین دادگاه‌هایی در نزد مردم میهن ما و نیروهای مترقی و آزادی خواه پشیزی ارزش ندارد.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

کارگری سندیکایی نیز به شکلی گسترده جریان دارد. از آنچه در این زمینه بصورت منطقی، علمی و بی غرضانه بیان می شود که بگذریم، بخشی از این به اصطلاح نقد و انتقاد فوق العاده غیر منطقی و توأم با غرض ورزی و داوری های نابجا و نادرست است.

به عنوان مثال برای سندیکا و حیطه فعالیت آن به تعاریف غیر علمی متوسل می شوند. تعریف صحیح و اصولی آنرا که در منشور حقوق سندیکایی کاملاً مشخص است، با عبارت پردازی های "مد روز" رد می کنند. سندیکا و فعالیت سندیکایی را به گونه ای جلوه گر می سازند که گویی در سندیکا و یا از سوی سندیکالیست ها سخن از سیاست گفتن خطا و نابجاست. و اصولاً جنبش سندیکایی در عرصه مبارزه سیاسی، جنبشی خنثی و بی طرف است، زیرا فقط باید از حقوق صنفی دفاع کند!

از همین زاویه به تخطئه مبارزات درخشان دیروز و تاریخ جنبش سندیکایی ایران می پردازند و مدعی می شوند، جنبش سندیکایی پُر افتخار میهن ما از استقلال عمل برخوردار نبوده و حزب طبقه کارگر در آن مداخله می کرده است.

به گمان ما اینگونه داوری های نابجا و غرض آلود، بیش از اینکه از سر ناآگاهی و یا اغراض شخصی باشد، در خطوط عمده خود بخشی از جنگ روانی و تبلیغاتی بر ضد جنبش کارگری_سندیکایی میهن ماست. ارتجاع با پشتیبانی سرمایه جهانی برای یورش به دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر در درجه نخست باید آن را از نظر ایدئولوژیک و سازمانی فلج سازد. تبلیغات گسترده بر ضد تاریخ جنبش سندیکایی در پیوند با حملات کنونی به حقوق کارگران و زحمتکشان قرار دارد.

تاریخ جنبش کارگری_سندیکایی ایران ثابت می کند، هر گاه کارگران و زحمتکشان در سندیکاها و اتحادیه های خود که بر پایه صحیح طبقاتی سازماندهی شده، متشکل گردیده اند و سازمان های صنفی آنان ضمن حفظ استقلال ذاتی خود در ارتباط و پیوند ارگانیک با سازمان سیاسی کارگران، حزب طبقه کارگر، قرار داشته اند، در مبارزات دستاوردها و کامیابی های بزرگ نصیب خود کرده اند.

در مورد همین قانون کار فعلی با تمامی نقائصی که داراست، همان تجربه وجود دارد. در ابتدای انقلاب مبارزه قهرمانانه و فراموش نشدنی بر ضد قانون کار توکلی که انجمن همبستگی شوراهای سندیکاهای کارگری به راه انداخت و حزب طبقه کارگر، حزب توده ایران آنرا هدایت و رهبری کرد، در درجه اول مانع تصویب این قانون ارتجاعی شد و در درجه دوم جنبشی را پدید آورد که حتی پس از یورش به حزب و غیر قانونی شدن انجمن همبستگی، این جنبش دوام آورد و در پرتو آگاهی هایی که حزب بذر آن را افشاند، کارگران در برابر رژیم ولایت فقیه مقاومت درخشانی کردند. برای آنکه این حقیقت بیش از پیش روشن شود به مقاله ای که در نشریه اندیشه جامعه، شماره ۲۲ به چاپ رسیده توجه کنیم.

این نشریه در خصوص جنبش نیرومند کارگری حتی پس از سرکوب حزب و نقش آن در تدوین و تصویب قانون کار فعلی از جمله می نویسد: "قانون کار مصوب ۱۳۶۸/۷/۲ پس از یک کشمکش طولانی بین نمایندگان کارگران کشور و نمایندگان ریز و درشت سرمایه داران ایران... ابداع گردید... نمایندگان سرمایه داری تجاری و لیبرال ایران به کارشکنی در تصویب قانون کار عمل می کردند. ولی از آنجا که جنبش قانون کار بسیار نیرومند بود، کم کم به عقب بشینی در مواردی به نفع حفظ موادی دیگر از آخرین پیش نویس قانون کار ناچار گردیدند..."

"جنبش قانون کار بسیار نیرومند" همان جنبشی است که نطفه آن در مبارزه با قانون کار توکلی بسته شد و نیرومندی آن مرهون وجود انجمن همبستگی به عنوان یک مرکز مستقل کارگری در زمان خود حضور موثر و همه جانبه حزب طبقه کارگر_حزب توده ایران که اتفاقاً علت اصلی یورش به آن توسط گرمگان جمهوری اسلامی دفاع بی تزلزل از حقوق توده های محروم جامعه به ویژه کارگران و زحمتکشان بوده است. تخریب تاریخ جنبش کارگری_سندیکایی ایران که از حیث توانایی و تاثیر آن یکی از برجسته ترین جنبش های سندیکایی قاره آسیا است. خدمت به مدافعان تامین امنیت سرمایه به بهای نابودی و فقر کارگران و زحمتکشان است و بهره و منفعت آن

ادامه ضرورت درنگ ناپذیر سازماندهی جنبش ...

آذربایجان شرقی و دهها نمونه دیگر اشاره کرد. در همه این اقدامات در کنار خواست هایی چون لغو قراردادهای موقت و تأمین امنیت شغلی، جلوگیری از اخراج ها، افزایش سطح دستمزدها مطابق با نرخ واقعی تورم و توقف برنامه خصوصی سازی، خواست بر حق جلوگیری از اصلاح و تغییر قانون کار در جهت منابع بخش خصوصی دلال و انحصارات فراملی، به خوبی به چشم می خورد. به موازات مخالفت گسترده کارگران و زحمتکشان گردانندگان رژیم ولایت فقیه نیز تلاش وسیعی را برای اصلاح قانون کار در راستای جلب و جذب سرمایه خارجی سازمان داده اند و پیرامون آن دست به تبلیغات پُر سر و صدایی زده اند.

مجمع تشخیص مصلحت نظام به ریاست رفسنجانی در این زمینه سخت فعال است و روزی نیست که در باب اهمیت جذب سرمایه خارجی داد سخن ندهد. تلاش همه جانبه برای اصلاح و یا تغییر قانون کار فعلی در چارچوب تامین امنیت سرمایه، بخشی از یورش گسترده رژیم ولایت فقیه (همه جناح های آن) به دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ماست. طرح تغییر و اصلاح قانون کار به یکباره و فقط طی سال گذشته عنوان نگردیده، از ابتدای دهه ۷۰ خورشیدی، هنگامی که سمت گیری اقتصادی_اجتماعی رژیم کاملاً و بطور مشخص در راستای تامین منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان قرار گرفت، و با اجرای دستورات صندوق بین المللی پول بوسیله دولت هاشمی رفسنجانی تحت عنوان سیاست تعدیل اقتصاد، برنامه خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه گذاری تدوین گردید، فراهم ساختن زمینه برای نیروی کار ارزان و مطیع، در دستور کار رژیم قرار داشت. امروز شماری از نهادهای حکومتی از جمله خانه کارگر و گردانندگان روزنامه کار و کارگر با حرارت بسیار از مقاومت در برابر اصلاح قانون کار سخن می گویند و آن را در محدوده مورد تمایل خود یعنی ضرورت حفظ مصالح «نظام» خلاصه می کنند. در حالی که همین نیروها در مجلس، دولت و ارگان های امنیتی از مجریان و مدافعان سیاست های نامبرده بودند، که امروزه به شکل گستاخانه منافع و حقوق زحمتکشان را نشانه گرفته است.

در واقع همین نیروها بودند که همواره تلاش ورزیده اند جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان را مهار کنند و مبارزات کارگران را به زائده جناح بندی های حکومتی تبدیل کنند. خانه کارگر و دیگر تشکل های نظیر آن که در خدمت رژیم قرار دارند، می کوشند مبارزه کارگران صرفاً و صرفاً در محدوده مورد قبول نظام صورت بگیرد و محتوای واقعی مبارزه که اتفاقاً کارگران هوشیار به آن توجه دارند، یعنی سمت گیری اقتصادی_اجتماعی جمهوری اسلامی، از زیر ضربه خارج شده و به آن پرداخته نگردد. مقاومت بر ضد اصلاح قانون کار، مبارزه اعتصابی در این راه و یا هر شیوه دیگر در درجه نخست معطوف به مبارزه با برنامه های اقتصادی رژیم است. اصلاح قانون کار خود علت نیست، بلکه معلول سمت گیری اقتصادی_اجتماعی است. بدون چنین برداشتی نمی توان مبارزه واقعاً حیاتی بر ضد اصلاح و تغییر قانون کار را سازماندهی کرد!

درست چند هفته قبل از این معاون بانک مرکزی جمهوری اسلامی با صراحت یاد آور شده بود: "... آغاز بازیابی قانون کار که بطور جدی در هیأت دولت به آن تاکید شده، نگرانی هایی را که از ناحیه قانون کار (برای سرمایه داران) وجود دارد از بین می برد...". این سخنان خود گواه روشنی است بر علت طرح اصلاح قانون کار. بعلاوه برای مبارزه به سازمان دهی، ارتباط و همبستگی نیاز است. تشکیل سندیکاهای واقعی با ماهیت رزمجویانه که بر پایه صحیح طبقاتی قرار گرفته باشد، مبرم ترین و اساسی ترین وظیفه در لحظه حاضر قلمداد می شود.

یک یادآوری: نگاهی به تجربیات تاریخی:

در سال های اخیر به موازات رشد و گسترش جنبش اعتراضی زحمتکشان و نیز حملات بی امان و برنامه ریزی شده به حقوق و منافع آنها بحث درباره ضرورت بر بایی تشکل مستقل صنفی سندیکاهای به میزان قابل توجهی رواج یافته و در این میان نقد و انتقاد به تاریخ جنبش

«مصاحبه باور نگر دنی»

عزمی بشاره سیاستمدار عرب اسرائیلی در مصاحبه بی با مجله نیوزویک، آینده یاسر عرفات و چشم انداز صلح در خاور میانه را مورد بحث قرار می دهد. بشاره در میان محافل سیاسی فلسطین یکی از معتبرترین سخن گویان محسوب می شود. بشاره عرب مسیحی و شهروند اسرائیل است و در هیچ گروه یا حزب فلسطینی عضویت ندارد. مواضع محکم انتقادی او نسبت به دولت اسرائیل او را به قهرمان اعراب هر دو سوی خط سبز مبدل ساخته است. او به خاطر دیدگاه هایش مورد غضب دولت اسرائیل قرار گرفته است. در ماه اردیبهشت مصونیت پارلمانی او فسخ گردید و بزودی باید در دادگاهی به اتهامات اغتشاش و تشویق به خشونت پاسخ گوید. در مسافرتی که اخیراً به پاریس داشته گزارشگر نیوزویک مصاحبه زیر را با او انجام داده است:

نیوزویک - شما متهم به اغتشاش در اسرائیل هستید فکر می کردم حق سفر به خارج از کشور را ندارید.

بشاره - مصونیت من در آغاز محاکمه لغو گردید همین. من همچنان گذرنامه ام را در اختیار دارم و با آن می توانم سفر کنم. البته مناطق ممنوعه ای هستند که حق مسافرت به آنجا را ندارم مثلاً غزه. من در دو سال گذشته مسافرتی به آنجا نکردم. هنگامی که تردد به شهر رام الله ممنوع می شود من نیز مانند هر شهروند دیگر نمی توانم به آنجا مسافرت کنم.

نیوزویک - این درست است ه شما به سبب ایراد سخنرانی در سوریه و ستایش حزب الله تحت محاکمه قرار گرفته اید؟

بشاره - یک سخنرانی در اسرائیل و یکی در سوریه. من در باره حق مقاومت در برابر اشغال صحبت کردم و این هواداری از تروریسم تلقی شد. من در سخنانم گفتم که جنگ گزینه نیست و نباید هم باشد. و پذیرش سیاست های تحمیلی اسرائیل نیز راه حلی برای مردم فلسطین نیست و تنها راهبرد موجود راه سوم است که من آن را راهرو مقاومت می خوانم. این گفته حمایت از تروریسم تعبیر شد که من چنین برخوردی را کاملاً رد کردم. این تعبیر به هیچ وجه تعبیر درستی نیست. این گفته به معنی این است که مردم در مقابل اشغال حق مقاومت دارند. من همواره مخالف هدف قراردادن غیرنظامیان بوده ام. اما حق مقاومت در برابر اشغال، می دانید که فلسطینی های ساحل غربی غزه حق رای دادن در پارلمان اسرائیل را ندارند. آنها فاقد کانال های دموکراتیک برای تعیین سرنوشت خود هستند برخی ها آن گونه سخن می گویند که گویا فلسطینی ها برای تعیین سرنوشت خود دارای دو پا سه گزینه هستند و اینکه آنها خشونت را انتخاب کرده اند. این حرف کاملاً بی معنی است، خود اشغال خشونت است. اشغال نه تنها حق تعیین سرنوشت را از فلسطینی ها می گیرد بلکه حق ابتدائی برنامه ریزی روزانه، پیش پا افتاده ترین جزئیات را نیز سلب می کند. و اشغال، حق ابراز دموکراتیک مخالفت، به عنوان نمونه رای دادن در پارلمان را به آنها نمی دهد. بنابراین شما می خواهید که فلسطینی ها چه کار کنند؟

نیوزویک - آقای بوش رئیس جمهوری ایالات متحده می گوید که او خواستار دموکراسی بیشتر در نواحی تحت کنترل فلسطینی ها است. و اینکه این کلید مشکلات است. و او معتقد است که تا زمانی که عرفات رهبر حاکمیت مناطق خودمختار است دموکراسی در آنجا اجرا نخواهد شد.

بشاره - اکثر رهبران و حاکمان در کشورهای خاورمیانه، که به نظر می رسد از دوستان نزدیک آقای بوش هستند دموکرات نیستند. این کشورها که حکومت دموکراتیک ندارند در صحبت های آقای بوش مورد حمایت قرار می گیرند. آقای بوش از این کشورهای مستقل که دوستان ایالات متحده محسوب می شوند نمی خواهد که دموکراسی را در کشورهایشان رعایت کنند. لیکن از فلسطینی ها، حتی پیش از ایجاد یک حکومت مستقل می خواهند که دموکراسی را با کمک این کشورهای عربی مستقر کنند. این یاوه گوئی است، البته فلسطینی ها سخنان بوش را جدی نمی گیرند.

نیوزویک - پس آیا اسرائیلی ها آموزندگان بهتری برای اجرای دموکراسی بوده اند؟

بشاره - می دانید که دموکراتیک ترین مردم هند در لندن زندگی می کردند دموکراتیک ترین سخنگویان الجزایر در پاریس زندگی می کردند. روشنفکران جهان سوم معمولاً در کشورهای استعمارگر زندگی می کردند. همیشه چنین بوده است. ببینید چون در اسرائیل دموکراسی وجود دارد امکان آزادی بیان را هم فراهم می کند. اما این دموکراسی بر ویرانه مردم فلسطین و سرزمین من ساخته شده است. تنها چیزی که در مقابل این سرزمین به ما داده اند همین آزادی بیان اما بدون زمین است، آنها بجای زمین امکان صحبت کردن را به ما داده اند. و حتی در این کوشش می کنند که با وضع قوانینی این امکان را نیز محدود سازند. اسرائیل یک کشور دموکراسی یهودی است که خود را به همین صورت توصیف می کند، آنها همواره به ما یادآوری می کنند که در این دموکراسی شما یک مهمان هستید. این استعمار است و ما مردمی تحت استعمار. با این حال فلسطینی ها، خوب یا بد، به دلیل مجاورت با اسرائیل، و وجود بیش از یک میلیون شهروند فلسطینی - اسرائیلی و داشتن نماینده در پارلمان اسرائیل، در مقایسه با مردم کشورهای عربی، تجربه بیشتری از دموکراسی داشته اند.

نیوزویک - آیا درس هایی وجود دارند که آموخته اید و می توانید آنها را در مناطق تحت اشغال بکار برید؟

بشاره - تجربه شماری از شهروندان عرب از دموکراسی در ایالات متحده و انگلستان از تجربه ما موفق تر بوده است. فلسطینی های ساحل غربی و نوار غزه تنها بر اساس نمونه اسرائیلی دموکراسی تجربه داشته اند. آیا مردم تحت استعمار می توانند دموکراسی را از کشورهای استعمارگر بیاموزند؟ سؤال جالبی است. من فکر می کنم برپایه تجربه پاسخ آن را منفی باید دانست. امتزاج اندیشه های دموکراتیک و به اصطلاح ارزش های غربی و استعمار عکس العملی ضد غربی، ضد استعمار و غیر دموکراتیک ایجاد کرده است که خیلی خیلی خطرناک است. من فکر نمی کنم استعمار، به ویژه استعمار اسرائیل توانائی فراهم آوردن دموکراسی را داشته باشد. دلیل آنرا به شما خواهم گفت. برخی از استعمارگران در گذشته در مورد مشخصه گذاری خود بسیار روشن بودند. آنها فکر می کردند وظیفه متمدن کردن جوامع تحت استعمار را به عهده دارند. اما استعمار مسکن گزین نه تنها قصد دارد برای همیشه در این سرزمین ها مستقر شود بلکه می خواهد بدون مردم فلسطین و بومی در اینجا استقرار یابد. چنین است استعمار نوع اسرائیلی که فلسطینی ها با آن درگیر هستند. بنابراین از چنین دموکراسی هیچ درسی نمی توان آموخت.

نیوزویک - اما تجربه شخصی خود شما خیلی قدرتمند است. در سراسر دنیای عرب شما به عنوان یک سیاستمدار دموکراتیک شناخته شده اید.

بشاره - شما یک عضو پارلمان را می بینید که نخست وزیر اسرائیل را مورد مواخذه قرار می دهد. خوب این نه تنها برای فلسطینی های ساحل غربی و نوار غزه، بلکه حالا با بودن تلویزیون همه جهان عرب که ما را می بینند امیدوارکننده است. و آنها بخاطر این ما را قهرمان می پندارند. ما قهرمان نیستیم. این نظام است که ما را قادر می کند که چنین عمل کنیم. اما جهان عرب برخی اوقات به این برخورد به دیده تحسین نگاه می کند. آنها می پرسند چگونه می توانید در پارلمان آریل شارون نخست وزیر را با فریاد و گفتن این چیزها به استیضاح بکشید اما کشته نمی شوید یا شما را به زندان نمی اندازند؟ البته می توانم بگویم این نوع برخورد موثر بوده است. در سال ۱۹۹۹ وقتی برای پست نخست وزیر شدن کاندید شدم کارزاری برای بردن دیدگاه هایم در میان مردم با علم به اینکه امکان پیروزی نداشتم، تشکیل دادم. این کارزار برای روشنفکران عرب بسیار گیرا و جذاب بود که هنوز هم از کشورهای مختلف عرب مرا مورد عنایت خود قرار می دهند.

نیوزویک - فکر نمی کنید که اعراب خواستار چنین دموکراسی ای در مناطق اشغالی می باشند؟

بشاره - دموکراسی چیست؟ حکومت مردم. نخست اینکه شما باید یک حاکمیت داشته باشید بعد می توانید حاکمیت اکثریت داشته باشید. حق حاکمیت پیش شرط دموکراسی است. ما دارای اختیارات محدودی هستیم و در این چهارچوب محدود بیشتر از هر جای دیگر در کشور های

ادامه آزموده را آزمودن خطاست . . .

دولت او می خواهد با ادامه تعرضات وسیع قوه قضائیه رژیم بر ضد حقوق دموکراتیک مردم و نیروهای سیاسی - اجتماعی کشور برخورد کند. آقای خاتمی اشاره نکرد که دولت او آیا برنامه بی برای جلوگیری از حملات قوه قضائیه که در پنج سال گذشته بیش از هشتاد نشریه را به محاق تعطیل کشانده است دارد یا نه؟ سکوت معنی دار خاتمی در این زمینه ها و در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، در واقع نشانگر این حقیقت است که خاتمی توان آن را ندارد که خود را از حصار "حفظ نظام" خلاص کند و قاطعانه به مقابله با تهاجمات ارتجاع بر ضد جنبش مردمی بپردازد. سخنان خاتمی در زمینه روند حرکت اقتصادی کشور نیز همان پافشاری بر سیاست های مخرب دولت رفسنجانی است که تا به امروز ثمرات فاجعه باری برای میهن ما به همراه داشته است.

خاتمی در مهمترین عرصه های اقتصادی، از جمله ادامه رشد تورم و ادامه بیکاری ناچار است اعتراف کند که این روند ها ادامه دارد و از آن مهمتر، به لطف سیاست های دولت او در حالی که بخش های عمده بی از جامعه همچنان در فقر و محرومیت به سر برده اند، بخش خصوصی توانسته است نقدینگی خود را بیش از ۲۸ درصد افزایش دهد. سخنان خاتمی طرح آزموده هایی است که خطا بودن آنها در طی پنج سال گذشته به دفعات به اثبات رسیده است. مردم انتظار داشتند که آقای خاتمی با بررسی واقع بینانه مشکلات کشور، با شفافیت در باره معضلات کنونی کشور، و خصوصاً نیروهایی که سد راه روند اصلاحات هستند سخن بگوید ولی با کمال تأسف باز این مردم اند که باید قبول کنند که همچنان "نامحرم" اسرار حاکمیت اند، چون مصالح "نظام" حکم می کند که مسایل همچنان از مردم پنهان بماند و مرتجعان حاکم، از جمله شخص ولی فقیه بتوانند پشت این پرده سکوت و راز داری به برنامه های خود ادامه دهند. سخنان خاتمی نه تنها هیچ انتظاری را برآورده نکرد بلکه بر این نکته تأکید کرد که در صورت ادامه موضع گیری هایی از این دست در آینده نیز نباید انتظار تحقق هیچ يك از قول های انتخاباتی را داشت. جنبش مردمی باید با علم به این واقعیات و مواضع مباحثات و تسلیم طلبانه باید به سازمان دهی مستقل خود برای مقابله با تهاجمات ارتجاع و خروج جامعه از بن بست کنونی ادامه دهد.

ادامه ضرورت درنگ ناپذیر سازماندهی جنبش . . .

به رژیم ولایت فقیه و انحصارات فراملی که برای تصاحب بازار ایران دورخیز کرده اند، می رسد. مبارزه بر ضد طرح اصلاح و تغییر قانون کار، مبارزه ای حساس و حیاتی است که نیازمند بالاترین سطح سازماندهی و همبستگی در میان جنبش کارگری است. در این مبارزه تشکل های مستقل صنفی - سندیکاها نقش کلیدی ایفا می کنند. هیچ نهاد و سازمان صنفی دیگر با هر نام هر گز نمی تواند در امر دفاع از حقوق کارگران جایگزین سازمان سندیکایی شود. کارگران آگاه و مبارزان توده ای در این زمینه وظایف دشوار و خطیری بر عهده دارند و باید از هر وسیله ممکن با هوشیاری و جسارت برای ایجاد تشکل های مستقل صنفی - سندیکایی استفاده کرد و مانع کامیابی ارتجاع در یورش به حقوق زحمتکشانشان شد.

می تواند طی شود. "خاتمی در بخش دیگری از سخنانش، ضمن اشاره به دشواری های اقتصادی کشور، اظهار داشت که دولت او توانسته است در این عرصه به دست آوردهای ملموسی نایل آید. وی همچنین گفت: "من از آغاز گفتم اقتصاد ما بیمار است و نیاز به تحول دارد و عزم من و همکاران من به عنوان مهم ترین مساله اصلاح ساختار اقتصادی بوده که الحمدالله امروز کم کم ثمرهای آن را می بینیم. البته اصلاحات فرمان برائت و هزینه های خاص خودش را دارد و باید فشارها را تحمل کرد و نیز می گویم در امروز و فردای ما، دغدغه مهم دولت، رهبری، و جامعه ما مساله تولید، اشتغال و مبارزه با بیکاری است و این هم از اولویت هایی است که همچنان که تاکنون بوده است در آینده. با همت و قدرت بیشتری پیگیری خواهد شد و نیز تنش زدایی در عرصه بین المللی و بهره گیری بهتر و بیشتر از امکانات موجود. من از اصلاحات اقتصادی و اداری صحبت کردم. بر این اساس طرح سامان دهی اقتصادی و بعد برنامه سوم تنظیم شد. هدف مانیل به توسعه و رونق اقتصادی و سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال بود و تقویت جنبه حاکمیتی دولت و فعال کردن بخش خصوصی در فعالیت های تولیدی و تصدی گری در این زمینه دو کار مهم باید انجام بگیرد که گام های بزرگی برداشتیم؛ یکی تهیه مقررات برای کاهش هزینه تولید و هزینه مبادله، دوم زمینه برای رونق اقتصادی و نشاط تولیدی...". خاتمی در ادامه همین سخنان به زمینه اشتغال اشاره کرده که بر رغم تلاش دولت برای ایجاد اشتغال متناسب با میزان نیروی کاری که سالانه به بازار کار وارد می شود، نتوانسته است در این زمینه به موفقیت دست یابد و بنابراین میزان بیکاری همچنان روبه افزایش است و در زمینه کنترل تورم نیز افزود: "مادر سال گذشته پایین ترین رقم تورم را در ده سال گذشته داشتیم؛ ۴/۱۱ درصد. البته در سه ماهه گذشته ما شاهد نرخ نسبی رشد تورم بودیم. یعنی متأسفانه ۴/۱۱ درصد ما که در پایان سال گذشته بود در سه ماهه گذشته ۴/۱۲ درصد رشد خدمات مصرفی و کالاهای مصرفی بود که تورم ما بوده که نیاز داریم که با انضباط مالی و پولی و اعتباری به خصوص امسال که سال یکسان کردن نرخ ارز است، این مساله را مهار بکنیم...". به گفته خاتمی، مهمترین معضل دولت او، همچون دولت رفسنجانی، رشد نجومی حجم نقدینگی بخش خصوصی است که "به میزان ۸/۲۸ درصد" بوده است. البته روشن است که این امر از جمله مشخصه های بارز يك اقتصاد بیمار است. بررسی مواضع خاتمی نشانگر ادامه موضع گیری هایی است که او در طول پنج سال گذشته به دفعات و به اشکال مختلف تکرار کرده است و تأثیر چندانی در پیش برد امر اصلاحات نداشته است.

چگونه ممکن است با توجه به تجربیات موجود و برخوردهای عمیقاً ارتجاعی شورای نگهبان به کلیه مسایل کشور به این چنین خوش بینی های بی جایی در مورد چگونگی برخورد این شورا با مسایلی همچون انتخابات آینده مجلس و مساله اختیارات ریاست جمهوری دامن زد؟ روشن نیست که آقای خاتمی با اتکا به کدام دلایل عینی و روشن معتقد است که شورای نگهبان "ولی فقیه" اجازه خواهد داد تا بر اختیارات ریاست جمهوری افزوده شود، و در مقابل آن، اختیارات نامحدود ولی فقیه کمی کاهش یابد؟ آیا برخورد شورای نگهبان با لوائح گوناگون مجلس و همچنین عملکرد آن در انتخابات مجلس و باطل کردن میلیون ها آرای شهروندان ملاک جدی برای درک چگونگی برخورد شورای نگهبان و هم فکران آنان نیست؟

آنچه روشن است این است که تکرار این موضع گیری ها از سوی خاتمی نشانگر عمق بن بست است که او و طرفداران او در امر پیشبرد روند اصلاحات با آن رو به رو هستند. تأکید بر اصل خدشه ناپذیر ولایت فقیه، که در واقع ناقض تمامی اصول مردمی گنجانده شده در قانون اساسی پافشاری بر ادامه راهی است که به نتایج امروزین منجر شده است. بر خلاف همه انتظارات آقای خاتمی روشن نکرد که چگونه

که می خواهند. بقیه به اعتقاد من یاوه سرائی است.

ادامه مصاحبه باور نکردنی . . .

عربی پلورالیسم سیاسی داشته ایم. ما دارای هفت حزب قانونی هستیم. آن ها نشریات و روزنامه های خودشان را دارند. بیشتر از هر کشور عربی دیگر کانال رادیویی داریم. و این همه در محدوده ای است که حق حاکمیت ناچیزی دارد، اما این مشکل واقعی نیست، آقای بوش با ابزاری کردن دموکراسی دچار اشتباه بسیار بدی می شود که به نفع مردم نیست. همه می دانند که آقای بوش به دموکراسی واقعی اعتقاد ندارد.

نیوزویک- آیا شما از دموکراسی بر ضد دولت اسرائیل استفاده ابزاری نمی کنید؟

شماره - کاملاً درست است. ولی آیا من به ارزش های دموکراسی اعتقاد دارم؟ فکر می کنم این طور باشم من به برابری معتقدم. من به انسانیت، شأن و حق او برای دست یابی به يك زندگی سعادتمند اعتقاد دارم. وقتی من این چیزها را می گویم و اعلام می کنم که می خواهم حق شهروندی معیاری برای دست یابی به این حقوق در اسرائیل باشد و می خواهم که اسرائیل کشور شهروندان باشد مرا به فتنه گری متهم می کنند. این در اسرائیل تحریک محسوب می شود.

نیوزویک - آیا شما نظریه اساسی دولت دموکراسی یهودی را زیر سؤال می برید؟ آیا شما يك دولت یهودی را در کنار يك دولت فلسطینی می پذیرید؟

شماره - من از عدالت طرفداری می کنم. اگر راه حل دو کشور می تواند عدالت را تأمین کند من آن را می پذیرم. اگر اکثر فلسطینی ها و اسرائیلی ها خواهان دو کشور باشند و اگر مرزهای دو کشور مطابق مرزهای ۴ ژوئن سال ۱۹۶۷ باشند و اورشلیم پایتخت باشد چرا که نه؟

نیوزویک - اصولاً تصور شما از صلح، صلح واقعی چیست؟

شماره - راه حل دو کشور مستقل. اما اکنون دولت فلسطین روزانه مورد تجاوز قرار می گیرد و اعتبار آن با ساختمان مناطق یهودی نشین، تغییر مرزها و اقداماتی در جهت تهی کردن حق حاکمیت از هر گونه مضمون واقعی تهی می شود. این راه به جایی نمی رود.

نیوزویک - با توجه به درگیری جناح های افراطی از دو سو که اکنون در خاورمیانه حاکم است، آیا برخی اوقات با همه این گفتگوها در باره دموکراسی و اصلاحات احساس نمی کنید که صدای شما به گذشته تعلق دارد؟

شماره - من فکر نمی کنم که صدایی از گذشته هستم. فکر می کنم که صدای من، مانند صداهای دیگر مسیحیان. مسلمانان و کلیمیان به گرایش اصلی تبدیل می شود. هیچ کس نمی تواند فردا يك دموکراسی لیبرالی را به ما تحمیل کند. آنهایی که به راهبردهای نوین و منطقی برای سازمان دهی زندگی اجتماعی، راهبردهای منطقی دولتمداری و رفرف های تدریجی معتقدند و خواهان تشکیل يك دولت نوین پیشرفته و پروژه یی نوین برای کشورهای عربی منطقه اند به اعتقاد من، گرایش عمده را تشکیل می دهند. مشکل ما عدم سازمان دهی در سراسر کشورهای عربی است.

نیوزویک- شاید این بتواند ما را به موضوع یاسر عرفات برگرداند. یاسر عرفات نه تنها دموکرات نیست بلکه از نظر بسیاری بشدت فاسد است. خیلی ها در پشت صحنه معتقدند که اگر یاسر عرفات به سمبل فلسطین مانند برجم، و یا حتی رئیس جمهور تشریفاتی تبدیل شود برای انجام رفرف های لازمی که شما اشاره کردید بهتر خواهد شد.

شماره- جرج بوش و حتی مبارک رئیس جمهوری مصر و دیگران فکر می کنند که امکان پیاده کردن دموکراسی توسط آن افرادی که در پیرامون عرفات قرار گرفته اند وجود دارد. باید گفت آنها جدا از ساختاری که یاسر عرفات در رأس آن قرار دارد نیستند و بهتر از خود عرفات نخواهند بود. ایالات متحده در رابطه با اسقرار دموکراسی توسط این افراد دارای موضعی نادرست است من فکر نمی کنم که آمریکائی ها حتی به آنچه می گویند اعتقاد داشته باشند. آنها خواستار يك دستگاه امنیتی یکپارچه، فراگیر و همگن هستند این تنها چیزی است

نیوزویک- خوب این برای شما یاوه سرائی است؟

شماره - بسیار خوب. عرفات دموکرات نیست. اما شورای قانون گذاری فلسطین چطور؟ چرا آن نمی تواند تشکیل جلسه بدهد؟ شورای قانون گذاری انتخاب شده است. شما نمی توانید بگوئید که این شورا فاسد است چون قدرت واقعی نداشته. اما رسماً این قدرت را دارد. چرا همه توجه ها به افراد پشت پرده کشانده می شود؟ بگذارید شورای قانون گذاری که در همه مناطق نمایندگان آن انتخاب شده اند تشکیل شود. شما نمی توانید نهادی بهتر که در آن نمایندگان واقعی وجود دارند پیدا کنید. به شورای قانون گذاری قدرت دهید. چرا ما برای ساختن آینده دنبال يك فرد می گردیم؟ چرا دنبال نهادهای مردمی نیستید؟ چرا همه می پرسند بعد از عرفات چه کسی رهبر خواهد شد؟ چرا این موضوع اهمیت دارد؟ چرا در باره نهادهائی که می توانند نظام بهتر و یا رفرف بهتری را پیاده کنند صحبت نکنیم؟ این آن چیزهاییست که من فکر می کنم باید انجام شود. اما انجام نمی شود چون شورای قانون گذاری نمی تواند تشکیل جلسه دهد. چون رفت و آمد اعضایش در شهرهای هیرون غزه و نوار ساحلی و رام الله ممنوع است. آنها مانند هر فلسطینی دیگر در پست های بازرسی مورد اهانت قرار می گیرند. بجای جستجو در اطراف عرفات و دستگاه امنیتی برای رهبری آینده شما باید به دنبال یافتن گزینه های دیگر باشید. اگر ایالات متحده امریکا از شورای قانون گذاری که معمولاً دید انتقادی به عرفات دارد حمایت می کرد من نیز در موضع موافقت با ایالات متحده قرار می گرفتم. اما آیا باید جستجو در دستگاه امنیتی برای یافتن جایگزین برای عرفات را جدی بگیریم؟ خیر به عنوان يك دموکرات نه.

ادامه سالگرد ۱۱ سپتامبر . . .

آینده آنها که سرمایه گذاری اولیه ای فقط به میزان ۳۰ میلیون دلار کرده بودند. بیش از ۲۵۰۰ میلیون دلار سود به جیب زده اند. در این سخنرانی او مستقیماً به کوشش

کمپانی بین المللی تلفن و تلگراف ITT و "کمپانی

مس کنتکات" برای دخالت در امور سیاسی کشورش اشاره کرد. ITT طرحی برای سرنگون کردن سالوادور النده به دولت آمریکا ارائه داده بود. آکنده در سازمان ملل

مطرح کرد: "من ITT را متهم می کنم که در کوشش برای راه انداختن يك جنگ داخلی در کشور من است. این آن چیزی است که ما آنرا مداخله امپریالیستی می خوانیم. . . . يك رابطه کاملاً واضح و عریان وجود دارد. موجودیت امپریالیسم وجود دارد چونکه عقب ماندگی وجود دارد و وجود عقب ماندگی محصول موجودیت امپریالیسم است. "سیا با سازمان دادن يك کارزار همه جانبه. مسموم و مداخله گرانه در قدم اول این توهم را که گویا کمونیست ها در صدد قتل رهبران نظامی هستند. فرماندهان نظامی را متقاعد به پیش دستی کردند. و نهایتاً با ایجاد جو آشوب و ناامنی شرایط کودتای نظامی را مهیا کردند. دو دهه حکومت نظامیان به رهبری آگوستو پینوشه. رهبر کودتا. از سیاه ترین دوران های تاریخ معاصر شیلی می باشد. حکومت کودتا عملاً سرکوب زحمتکشانش را در جهت فراهم کردن امکان غارت معادن مس و دیگر منابع اولیه شیلی و کنترل همه جانبه بازارهای کشور توسط انحصارهای فراملی به سیاست رسمی خود تبدیل کرد. ده ها هزار دموکرات شیلیائی مجبور به ترك کشور و قبول مهاجرت سیاسی شدند. حکومت کودتا و طراحان آمریکایی آن سعی کرده اند که هرگونه اشاره به سه سال حکومت انقلابی سالوادور آکنده در ساختمان سوسیالیسم در شیلی را از تاریخ بزایند.

آکنده در اشاره به طرح های کودتا چیان وابسته به آمریکا در سخنان خود گفته بود: "اگر فاشیست ها بخواهند که از همان طریقی که همیشه از آن برای محو کردن آنانی که قصد ادامه يك انقلاب را دارند. استفاده کنند. آنها با پاسخ ما و تصمیم قاطع من روبرو خواهند شد. من هنگامی از مقام رئیس جمهوری این کشور کنار می روم که دوره ریاست جمهوری ام تمام شود. آنها برای اینکه مانع انجام کار من بشوند باید بدن مرا با گلوله سوراخ سوراخ کنند." آکنده با شجاعت بر سر حرف خود ایستاد. او در روز ۱۱ سپتامبر در حال دفاع از کاخ ریاست جمهوری در مقابل کودتاچیان به شهادت رسید.

او در آخرین لحظات حکومت دولت "اتحاد خلقی" گفت: "من جان خود را فدای دفاع از اصولی خواهم کرد که در این کشور مورد احترام هستند. زنده باد شیلی. زنده باد کارگران. این آخرین کلمات من است. من مطمئنم که قربانی شدن من بیهوده نخواهد بود. من مطمئنم که این حداقل این درس اخلاقی در تنبیه بزه کاری. بزدی و خیانت خواهد بود."

سالگرد ۱۱ سپتامبر

با فرارسیدن ۱۱ سپتامبر، درست يك سال از حمله تروریستی به مرکز تجارت جهانی و ساختمان مرکزی پنتاگون می گذرد. این اقدام جنایتکارانه، که به درستی و با قاطعیت از سوی تمامی نیروهای مترقی محکوم گردید، صرفنظر از نیت طراحان و مجریان آن، عملاً شرایط جدیدی را بوجود آورد که با بهره گیری از آن امپریالیسم آمریکا توانست دور تهاجمی نوینی را برای تأمین هژمونی خود بر جهان سازمان دهد. مشخصه ویژه این شرایط تشدید کیفی تهاجم نیروهای ارتجاعی در گستره گیتی و به منظور استقرار نظم نوین تمامیت گرایانه امپریالیسم است. ایالات متحده سعی دارد "جنگ بر ضد تروریسم" را به مثابه حمایت این کشور از دموکراسی و مرزبندی آن با تروریسم و بینش های ارتجاعی معرفی کند. باید اشاره کنیم که دولت ایالات متحده در تعقیب منافع تنگ نظرانه خود مستقیماً در ایجاد توسعه سازمان های تروریستی از قبیل القاعده عمل کرده است. برژینسکی، مشاور امنیت ملی در دولت کارتر. در روز ۳ ژوئیه ۱۹۷۹ فاش کرد که پرزیدنت کارتر مخفیانه اجازه داد که ۵۰۰ میلیون دلار برای ایجاد "تشکل و تقویت يك جنبش بین المللی تروریستی" که بنیادگرائی اسلامی را در آسیای مرکزی گسترش دهد و در اتحاد شوروی عدم ثبات ایجاد کند، اختصاص داده شود. سازمان سیا تحت عنوان "عملیات گردباد" ۴ میلیارد دلار صرف ایجاد مدارس ویژه تعلیم و تربیت نیروهای بنیادگرای اسلامی در پاکستان و ایالات متحده کرد. فاجعه ۱۱ سپتامبر از سوی امپریالیسم به مثابه توجیهی برای اتخاذ سیاست های نظامی گرانه و تجاوزگرانه در چهار گوشه جهان مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به سرعت و ابعاد ابتکاراتی که دولت ایالات متحده در يك سال گذشته مبتکر آن بوده است. نمی توان در نظر نگرفت که طرح ها و تدارک این تهاجم توسط امپریالیسم از قبل از ۱۱ سپتامبر وجود داشته است. سهم مهم و تعیین کننده حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر بر ضد مرکز تجارت جهانی در نیویورک، ایجاد محیط مناسب سیاسی و روانی بی است که چنین طرح ها و تهاجمی را بتوان آغاز کرد. در تحلیل نهائی باید همچنین ادعان داشت که آنچه که شروع این تهاجم را ممکن کرد. تغییر اساسی و بنیادین در موازنه جهانی به دلیل فروپاشی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی در شرق اروپا می باشد. کوشش برای تحمیل هژمونی ایالات متحده بر جهان بحرانی با ابعاد بین المللی ایجاد کرده است. از سوئی تسریع دگردیسی کیفی دولت های حاکم در روسیه و هندوستان و از سوی دیگر تشدید تضاد میان محور های سه گانه امپریالیسم در آمریکای شمالی، اتحادیه اروپا و ژاپن و شرق آسیا. از نمودهای این وضعیت جدید می باشد. دولت ایالات متحده. بطور فزاینده ای. بصورت یکجانبه و بدون توجه به نظرات سازمان ملل متحد در تعقیب سیاست های خود می باشد. ایالات متحده در دو سال گذشته به دفعات خصومت خود با قراردادهای و معاهده های بین المللی را به نمایش گذارده است. ایالات متحده که کوشش کشورهای دیگر به تسلیح خود را دقیقاً زیر ذره بین می برد. اکنون وسیع ترین برنامه نظامی گری را با این توجیه که این امر برای پیروزی در جنگ بر ضد تروریسم ضروری است. در پیش گرفته است. ایالات متحده در طول یکسال گذشته بودجه نظامی خود را به ۳۹۶ میلیارد دلار. یعنی به بیش از يك میلیارد دلار در روز افزایش داده است.

۱۱ سپتامبر دیگر

۲۹ سال قبل در روز ۱۱ سپتامبر-ایالات متحده آمریکا با سازمان دهی مستقیم يك کودتا دولت قانونی کشور شیلی را ساقط کرد و رئیس جمهور محبوب و ترقی خواه شیلی را به قتل رساند. در روزهای پس از کودتا هزاران مبارز چپ. فعالان اتحادیه های کارگری. شعرا و نویسندگان مترقی. جوانان و دانشجویان برای کنار گذاشتن اعتقادات خود تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفتند. تصاویر گویا و شوک آور انقلابیون شیلیائی که در استادیوم سانتیاگو. توسط نیروهای امنیتی ماموران سیا تحت بازجویی، شکنجه و نهایتاً به قتل رسیدند. موضوع بسیاری کتاب ها و فیلم های افشاء گرانه بوده است. توجیه ایالات متحده برای شرکت در این تروریسم آشکار بر ضد دولت قانونی يك کشور مستقل چه بود؟ هنری کسینجر. در قبل از کودتا در سخنان تبهکارانه ای گفته بود. "من نمی توانم بفهمم که چرا ما باید کناری بایستیم و شاهد این باشیم که يك کشور بخاطر بی مسئولیتی مردمش کمونیستی شود." جرم مردم شیلی و سالوادور آلنده چه بود که سران ایالات متحده طرح شوم کودتای نظامی را مورد توجه و به اجرا در آوردند؟ آیا غیر از این است که آلنده در کوشش برای دموکراتیزه کردن حیات شیلی و کسب استقلال سیاسی-اقتصادی آن بود. سخنان سالوادور آلنده گویای جهت گیری سیاسی دولت او و دلایل خشم امپریالیسم آمریکا است.

"ما از تجربه خود می دانیم که دلیل های اصلی برای عقب ماندگی را باید در سیستم. در سرمایه داری وابسته که در داخل يك اقلیت ثروتمند بر اکثریت مستمند و محتاج حاکم می کند. و از نظر خارجی کشورهای قدرتمند را بر کشورهای فقیر حاکم می کند. يك سیستمی که در آن بسیاری در خدمت ایجاد ثروت و رفاه برای عده قلیلی هستند. . . بگذارید این شنیده بشود و فراموش نگردد. در این کشور. يك زندانی سیاسی وجود ندارد. در این کشور. يك خبرنگار بخاطر ایده اش در زندان نیست. " در سخنرانی معروف خود در ۴ دسامبر ۱۹۷۲ در مجمع عمومی سازمان ملل، سالوادور آلنده فاش کرد که منابع مس شیلی توسط کمپانی های بین المللی غارت شده و

انتقال و استقرار نیروهای نظامی آمریکا در سراسر گیتی و بخصوص در جمهوری های آسیای مرکزی و در مجاورت مرزهای روسیه. چین و هند را نمی توان از سیاست های طولانی مدت امپریالیسم آمریکا در رابطه با این کشور ها و این منطقه جهان مجزا دانست. یکی از برجسته ترین نماد های جهان پس از ۱۱ سپتامبر اوضاع فاجعه آمیزی است که در خاورمیانه و در رابطه با سیاست های سرکوبگرانه دولت اسرائیل شاهد می باشیم. آریل شارون با بهره گیری از جو موجود با معرفی نیروهای مبارز فلسطینی به عنوان حامیان تروریسم. کوشش کرده است سرکوب خلق فلسطین و نقض تمامی موافقتنامه های قبلی در رابطه با تخلیه سرزمین های اشغالی و استقرار دولت مستقل فلسطینی را به مثابه بخشی از جنگ بر علیه تروریسم ❖ معرفی کند. حمایت یکجانبه ایالات متحده از آریل شارون را باید یکی از فاکتور های اصلی ایجاد وضعیت بحرانی کنونی در خاورمیانه و بخش لایتنجای سیاست تجاوزگرانه دولت بوش در این منطقه استراتژیک جهان دانست.

یکی از تبعات بسیار منفی "جنگ بر ضد تروریسم" که تمامی نیروهای مترقی و انقلابی جهان باید در قبال آن آگاهانه موضع بگیرند. حمله بر ضد حقوق دموکراتیک مردم جهان است. در طول سال گذشته ما شاهد تصویب قوانین سختگیرانه بر ضد مبارزه نیروهای مترقی در دفاع از صلح و ترقی بودیم. اعتراض های اجتماعی. مقاومت در حال استعمار و

ادامه در صفحه ۷

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 642
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

3 September 2002

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse بانک